

در دفاع از رای مردم به استقلال کردستان عراق

۳

خشونت اجتماعی

۴

سیف خدایاری

انتخابات در آلمان و نگرانی مردم

۵

سعید یگانه

اعلامیه حزب حکمتیست

قرار امپریالیستی و ضد مردمی "شورای امنیت"

۷

علیه رفتارندم مردم کردستان عراق شدیداً محکوم است

۸

اطلاعیه: گوتنبرگ جای نازیستها نیست!

۸

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

نامه اعتراضی بزرگترین اتحادیه کارگری دانمارک "فدراسیون متحد

کارگران دانمارک" و اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، انتاریو:

۹

درباره وضعیت رضا شهابی

۱۱

دعوت به «شب همبستگی»

در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

۱۲

در دفاع از خواست استقلال کردستان عراق

منصور حکمت

طرح مقدماتی بحث



زنده باد کارگران آذربای و

هپکو

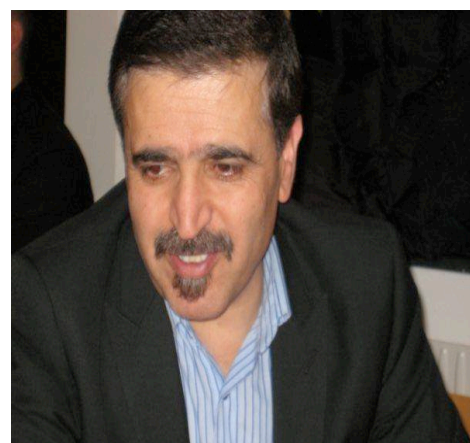
رحمان حسین زاده

کارگران آذربای و هپکو در اراک تا هم اکنون درس خوبی به دولت سرمایه اسلامی، به نیروی سرکوبگر و وزیر کار آن و به کار فرما و صاحبان کار داده اند. به آنها فهماندند در مقابل اتحاد و همبستگی مبارزاتی، پشتکار و ابتکار و روش موثر مبارزه کارگری راهی جز عقب نشینی ندارند. معذرت خواهی فرماندهان سرکوبگر نیروی انتظامی، سراسیمگی دولت و جناب وزیرکار ربیعی و وعده اش به پرداخت فوری بخشی از دستمزدهای معوقه، برکنارشدن مدیر کارخانه آذربای و دوتن از دستیاران نزدیکش اولین نتایج مبارزه متحدانه روزهای اخیر است. یکباردیگر و برای هزاران بار این درس بدیهی مبارزه جمعی و متحد کارگری یادآوری شد، که در جدال دائمی گاه نهمان و گاه آشکار طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار و دولت حامی و کل دم و دستکاه سرکوب و ارباب و دروغ و تحمیق و توطئه گری تنها به میدان آمدن اراده متحد و سازمان یافته و

اعتراضات کارگری در سراسر ایران را ببیند چشم انداز امید بخش به حرکت درآمد جنبش توده ای طبقه کارگر، یکی از فاکتورهای تعیین کننده جدال سیاسی و طبقاتی پیشروی جامعه ایران است. دو نیست آن روز که کل پتانسیل طبقه کارگر صف اردوی کار ایران تمام قد برای سد کردن همه جانبه تعرضات بورژوازی و پایار دادن به حاکمیت سرمایه در ایران به میدار آید. این قدرت طبقاتی دگرگون کننده را ب میدان میکشیم و آن روز تعیین تکلیف قطعی با بورژوازی را ممکن میکنیم.



میلیون مردم زحمتکش جامعه ایران است، در عین حال هر درجه از پیشروی و موفقیت کارگران در اراک به کل طبقه کارگر و دهها میلیون مردم زحمتکش جامعه مربوط است. اعتراضات متحد و موثر تاکنونی هپکو و آذرباب در یک هفته اخیرنه تنها راه را نشان داده است، بلکه راه تداوم مبارزه موثر کارگری را هموارتر کرده است. اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو و آذرباب نمونه درخشان مبارزات کارگری و اما تنها نمونه نیستند. هر نیروی درگیر و یا هر ناظر واقع بین میتواند گستردگی



خودآگاه کارگری تضمین کننده پیشروی مبارزاتی است و معجزه ای در کار نیست. پیشروی روزهای اخیر در اراک و با ابتکار کارگران آذرباب و هپکو تنها یک جلوه شورانگیز از کل نوک کوه عظیم قدرت طبقاتی و حق طلبی جنبش کارگری ایران است. به همین دلیل در اعلامیه هفته قبل حزبمان اعلام کردیم. " آنچه امروز در اراک مقابل چشم ما در جریان است پرده ای از یک کشمکش سیاسی و طبقاتی قدیمی و حاد و تشدید یافته در جامعه ایران و در متن بحران همه جانبه و لاعلاج جمهوری اسلامی است. وضعیت کنونی مختص و محدود صنایع و مراکز کارگری در اراک نیست، کل مراکز کارگری کوچک و بزرگ، میلیونها کارگر و خانواده کارگری با وضعیت کم و بیش مشابهی روبرو هستند. در مقابل صف اقلیتی مفتخور و طفیلی و فاسد و سرکوبگر تحت حمایت نیروهای سرکوب حکومت اسلامی، اکثریت عظیم مردم کارگر و زحمتکشی قرار دارند که منفعت واحد و درد مشترکی دارند. این تعرض به کارگران اراک تعرض به کل طبقه کارگر و دهها میلیون مردم زحمتکش جامعه ایران است".

اگر تعرض به کارگران هپکو و آذرباب نشانه تعرض به کل طبقه کارگر و دهها میلیون

اعلامیه حزب حکمتیست

در دفاع از رای مردم به استقلال کردستان عراق

در فراندوم ۲۵ سپتامبر کردستان عراق، اکثریت بالای رای دهندگان (% ۹۲،۷۳) به استقلال کردستان رای دادند. رای این فراندوم به استقلال، رای به حل سیاسی و عادلانه مساله کرد در آن کشور، رای به حل گره گاه سیاسی دیرینی است که مجرای دهها سال ستم و سرکوب و ویرانی گسترده و جنوساید و بمباران شیمیایی توسط رژیمهای متوالی حاکم در عراق، علیه مردم ستم کشیده کردستان بوده است.

کمونیسم کارگری و کمونیستهای متشکل در حزب حکمتیست از بیش از دو دهه پیش پرچم سیاست دفاع از خواست استقلال کردستان را در دست گرفته اند و در ماههای قبل از فراندوم هم روشن و قاطع در راه جلب آراء مردم برای به کرسی نشاندن این سیاست تلاش کرده اند. این سیاست آزادیخواهانه اکنون با پشتوانه رای بالای مردم کردستان عراق، مومنتومی نیرومند گرفته است. حال که خواست استقلال کردستان عراق، با رای مردم پا به مرحله عمل گذاشته است، سیاست حزب حکمتیست هم بیش از پیش و محکم و و شفاف دفاع از رای مردم کردستان عراق به تشکیل دولت مستقل است. حزب حکمتیست متعهد است همراه با اردوی آزادیخواهی سراسر جهان، از رای مردم کردستان عراق به استقلال، قاطعانه دفاع کند و در این زمینه بر موارد زیر تاکید میگذارد:

۱ دولت عراق، حکومت اقلیم کردستان عراق و دولتهای همسایه موظفند رای حاصل از فراندوم مردم کردستان عراق را به رسمیت بشناسند. از ایجاد تنش، تهدید نظامی، جنگ روانی و دامن زدن به تفرقه ملی میان مردم کردستان عراق و دیگر مناطق عراق اجتناب کنند. حزب حکمتیست تهدیدات نظامی و تهدید به تحریمها توسط دولت عراق و دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی ایران را شدیداً محکوم میکند.

۲ رای مردم کردستان عراق به استقلال است. بنابراین حکومت اقلیم کردستان عراق باید تماماً به این رای پایبند باشد. در عین حال اکیدا از بهره برداری از رای مردم برای بندوبست با دولت عراق در مسیر جایگزین کردن فدرالیسم شکست خورده کنونی با اشکال بینابینی دیگری نظیر کنفدرالیسم و غیره خودداری ورزد.

۳ شورای امنیت سازمان ملل موظف است رای حاصل از فراندوم ۲۵ سپتامبر کردستان عراق را بپذیرد. با تایید صحت برگزاری فراندوم از طرف ناظران جهانی، شورای امنیت هیچ دستاویزی برای خودداری از تایید آن ندارد و باید از آن حمایت کند. ادامه برخورد امپریالیستی و ضد مردمی شورای امنیت به فراندوم کردستان عراق بویژه بعد از تایید ناظران جهانی بر صحت برگزاری آن شدیداً محکوم است.

۴ تجمعات ابراز شادمانی و حمایت مردم شهرهای کردستان ایران از رای فراندوم به استقلال کردستان عراق، حق مسلم آنان است. رژیم اسلامی با میلیتاریزه کردن فضای این شهرها و دستگیری دهها تن از

فضای این شهرها و دستگیری دهها تن از شهروندان و فعالین سیاسی، عمق وحشت خود از پیامدهای فراندوم و استقلال کردستان عراق را به نمایش گذاشته است. شهروندان دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند. فضای میلیتاریزه در شهرهای کردستان ایران باید فوراً برچیده شود.

۵ کمونیستها و کارگران در صف مقدم اردوی آزادیخواهی و حق طلبی جامعه کردستان عراق، در برابر هرگونه تهدید نظامی احتمالی از طرف دولت عراق، حشد شعبی و غیره، در برابر تحریم اقتصادی و هرگونه فشار دیگر، همچنین در برابر تعرض نظامی احتمالی دولتهای ترکیه و ایران قاطعانه و شجاعانه خواهند ایستاد. واضح است که باید پیشاپیش آمادگی صفوف خود را افزایش داد و در دفاع از حق بدیهی مردم ستم کشیده کردستان، مصممانه به میدان آمد. بسیج و به میدان آوردن مردم زیر این پرچم و تسلیح عمومی مردم شیوه موثر دفاع از مدنیت و حقوق و آزادیهای مردم در برابر تعرضات ارتجاعی است.

۶ کمونیستها، کارگران و آزادیخواهان کردستان و عراق ضمن حمایت از رای حاصل از فراندوم، از همبستگی میان شهروندان عراق و کردستان باید با تمام توان حفاظت کنند. دفاع از همسرنوشتی و همبستگی طبقه کارگر در برابر تلاش تفرقه افکنانه بورژوازی در هر دو سوی کشمکش جاری و علیه دشمنی آفرینی همه شعبات ناسیونالیسم عربی اسلامی عراق، ناسیونالیسم کرد و ترکمان و غیره وظیفه کمونیستها و کارگران آگاه در این دوره حساس تحول و گذار در سیاست عراق و

خشونت اجتماعی

سیف خدایاری

رفتارهای ناهنجار، خشونت، جنایت و از هم گسیختن شیرازه اخلاق اخلاق نه به معنی کدهای رفتاری مذهبی یا قومی، بلکه به مفهوم هنجارهای رفتاری پذیرفته شده به بخشی از مشخصات جوامع امروزی تبدیل شده است. افزایش میزان قتل، تجاوز، استفاده از مخدرات، الکل، روانگردانها در کنار افزایش افسردگی، بیماریهای روحی، خودکشی و... جوامع را به شدت تهدید می کند. گرچه در برخی از کشورها قوانین انسانی تر آسیب های اجتماعی را کاهش می دهد و نظم سرمایه را قابل تحمل تر می سازد، اما در جوامع استبداد زده به یمن اعمال قوانین مذهبی، خشونت نهادینه شده و به حاشیه راندن امر اجتماعی جنایات با سهولت بیشتری انجام می شود.

انتشار فیلمی از " رفتار ناشایست يك راننده تاکسی در اصفهان" در هفته اخیر جزو موارد بیشمار و هر روزه خشونت است که در کنار خشونت سازمان یافته نظم موجود، جامعه را به مرز جنون کشانده است: زنی روی کاپوت يك تاکسی مشاهده می شود که با سرعت در خیابان در حال حرکت است. ویدیو می تواند برای کسانی که با سینمای هالیوود بزرگ شده اند "هیجان زده" و "جالب" باشد؛ می تواند برای اقشار مردسالار، زن ستیز، مذهبی و مرتجع با "ایول" و "دمش گرم" مورد استقبال قرار گیرد؛ می تواند موجب نگرانی اتحادیه تاکسیرانی شهر شود که مسافران خود را از دست دهد؛ می تواند واکنش شهین مولاوردی و طیفی از فمینیست های اسلامی را برانگیزد که چنین رفتاری در "انظار عمومی" شایسته نیست؛ می تواند وجدان هزاران انسان آزادیخواه و برابری طلب را

به درد بیاورد و نهایتاً می تواند "ویدیویی" باشد که سایت های مختلف برای جلب مخاطب از آن استفاده می کنند...

اما این فقط يك "ویدئو" و يك "حادثه" نیست. چندان هم اهمیتی ندارد که فرد روی کاپوت زن است یا مرد. می توانست بر عکس هم باشد و اساساً در جرائم اجتماعی و جنایات بیشماری از این دست که هر روز "اتفاق" می افتد، مراجعه به جنسیت مجرم یا قربانی به ما کمکی نمی کند. بعد از انتشار این ویدیو، مدیر عامل تاکسیرانی اصفهان لابد به خاطر نگرانیهای حرفه اش توضیحاتی داده است و معلوم شده است که "فرد مورد خشونت قرار گرفته مسافر نیست! همسر راننده تاکسی است و به خاطر اختلافات خانوادگی چنین کاری را کرده است".

اختلافات خانوادگی و غیرخانوادگی در جامعه ای خفقان زده، مملو از قوانین سرکوبگرانه مذهبی، لبالب از روابط نابرابر اجتماعی و سرشار از خشونت "مفروض" است. اما اقدام به چنین رفتار وحشیانه ای زیر پا گذاشتن الفبای روابط اجتماعی است.

نیازی نیست به آمار جرائم و جنایات روزمره و رویدادهای تکان دهنده ای مثل قتل آتنا، بنیتا مراجعه کرد درست در هنگام نگارش این مطلب خبر پیدا شدن جنازه دختر هفت ساله ای در هفتگل خوزستان منتشر شد! نیازی نیست به آمار خودکشی، قتل، مصرف بالای مواد روانگردان و رتبه های "شرم آور" ایران در جنایات مراجعه کرد. همین اکنون در بسیاری از شهرهای ایران و در هزاران کوی و برزن مراسم جهالت بار تعزیه انجام می شود که خود نمایشی از جنایت، قساوت، جهالت و حماقت است. در اینجا مغزشویی کودکان صرفاً مسأله ای ایدئولوژیک و

و مذهبی نیست، بلکه نطفه خشونتی است که افراد جامعه با خود حمل می کنند و در خوشبینانه ترین حالت سالها طول می کشد تا فرد از آن رها شود. در غیر اینصورت خشونت نهادینه شده و در چالش های مختلف زندگی بروز پیدا می کند: چالش هایی که نابرابری اجتماعی آنها را پیچیده تر می کند.

واکنشهای عاطفی و ابراز همدردی در چنین مواردی کافی نیست. تقلیل خشونت به امر شخصی و خصوصی افراد به عادی شدن آن و بی تفاوتی کمک می کند. باید در سطح وسیع تر اجتماعی به این جنایات برخورد کرد. تلاش فمینیست های اسلامی برای راندن خشونت از حیطه عمومی به حیطه خصوصی و از خیابان به کنج خانه ها و توهم آنان به "دستورات اخلاقی" که معیار آنان ترکیبی از قرائتی "فمینیستی" و دلبخواهی از قرآن و احکام شرعی و "فرهنگ ایرانی" است، به همان اندازه پوچ و بی اعتبار است که جلو تصویب قوانین چندموسری، ازدواج با فرزند خوانده و سایر قوانین ضد زن را نمی توانند بگیرند. برای بر هم زدن معادلات نابرابر اجتماعی کمترین تحقیر را نباید قبول کرد؛ برخورد فیزیکی در کلیه سطوح از "تنبیه کودکان در توسط والدین؛" "تنبیه بدنی کودکان در مدارس؛ آزار جسمی و روحی افراد" "فروبردست" توسط زورگویان و قلچماق های محله؛ تحقیر، توهین و آزار شهروندان توسط نیروهای سکوبگر انتظامی؛ ترویج خشونت توسط رسانه ها و کلیه اشکال خشونت باید ممنوع گردد و جرم شمرده شود. اغراق نیست اگر بگوییم بر بطن چنین جامعه خشونت زده ای است که شلاق زدن کارگران توسط نیروهای انتظامی در سال گذشته چند بار "اتفاق افتاد". برای بر هم زدن این روابط نابرابر و خشونت نهادینه شده باید اقدام کرد. فردا دیر است!

انتخابات در آلمان و نگرانی مردم

سعید یگانه

شروع بحران اقتصادی سرمایه داری ۲۰۰۸ به این طرف همچون سایر کشورهای سرمایه داری براقصدا برتر کشور آلمان در اروپا نیز شاید به درجه ای کمتر از سایر کشورها تاثیر داشته و تاثیرات آن بر زندگی اقتصادی و معیشت طبقه کارگر و مردم مزد بگیر آشکار و غیرقابل انکار و باعث سرباز کردن بیشتر شکاف طبقاتی و فاصله فاحشی بین فقر و ثروت شده است .

این بحران و سر شکن کردن عواقب زیانبار آن بر اقتصاد و معیشت مردم ، علاوه بر این فاکتورهای دیگری همچون موج وسیع پناهندگی بخصوص به کشور آلمان در ناامنی و پا گرفتن اقدامات تروریستی در کشورهای اروپایی از جمله آلمان بعد از موج پناهندگی به اروپا ، بر رای مردم و نتیجه انتخابات اخیر در آلمان تاثیر داشته و برای اولین بار بعد از شکست نازی و پایان جنگ جهانی دوم حزب الترا راست و پوپولیست آ اف دی (آلترناتیو برای آلمان) به پارلمان راه یافته و به حزب سوم پارلمان بعد از احزاب دمکرات مسیحی و سوسیال دمکرات تبدیل شده است. برای اولین بار است که بخصوص حزب سوسیال دمکرات بعد از دهه ها این قدر ریزش آرا داشته و رای آن به بیست درصد رسیده است. طی چهار سال گذشته حکومت دو حزب ائتلافی سوسیال مسیحی سی اس او ، تنها حزب قدرتمند ایالت بایرن و حزب دمکرات مسیحی سی دی او ، به رهبری خانم میرکل با حزب سوسیال دمکرات اس

پی دی به دلیل بی توجهی و در نظر نگرفتن خواست و مطالبات مردم بخصوص در میان مردم محرومتر و بازنشستگان کم درآمد جامعه آلمان ، باعث ریزش آرا بیشتر از سه میلیون دو حزب اصلی و قدرتمند به نفع حزب راست افراطی شده است. در واقع می شود گفت رای این بخش از مردم ناراضی به حزب راست افراطی ، عموماً نه از سر راست بودن و خارجی ستیزی ، بلکه اعراض و هشدار بود به احزاب حاکم و قدرتمند و بی توجهی به خواست و مطالبات آنها است.

قدر مسلم اینکه در صورت وجود حزبی خارج از چهارچوب احزاب موجود که به تواند این شرایط را هضم کند و به خواست و مطالبات مردم ناراضی توجه بکند امکان اینکه این بخش از مردم ناراضی به این سمت بروند بسیار ضعیف میبود . حزب چپ سنتی پی دی اس و سبزها از چنین توان و توازی برای جذب آرا مردم ناراضی بر خوردار نبوده و توانستند با در صدی ریزش آرا موقعیت قبلی خود را حفظ کنند.

در تمام نظر سنجی های قبل از انتخابات پیش بینی این که حزب فاشیست در این انتخابات به مجلس آلمان راه یابد ، قابل مشاهده و به یکی از نگرانی های عمده جامعه آلمان در طول تبلیغات انتخاباتی تبدیل شده بود . این مسئله از چشم مردم و احزاب پارلمانی پنهان نبود. بر این اساس بخصوص دو حزب اصلی دمکرات مسیحی و سوسیال دمکرات که دو حزب رقیب برای کسب قدرت و در چهار سال گذشته حکومت را اداره می کردند ، در طول دوره تبلیغات انتخاباتی نهایت تلاش خود را به

کار گرفتند که از طرفی مردم را با دادن وعده و وعید به آینده امیدوار کنند و در عین حال مردم ناراضی را ترغیب کنند که سیاهی لشکر حزب نوپای فاشیست نشوند و به آن رای ندهند . اما موفق نشدند.

نتیجه انتخابات و راه یافتن حزب فاشیست آ اف دی به پارلمان این کشور برای همه احزاب و بخصوص افکار عمومی با پیشینه تاریخی و جنایت نازی ها سنگین و نگران کننده است . این نگرانی را در پایان و اعلام نتیجه انتخابات به وضوح در رفتار احزاب و افکار عمومی مردم آشکار بود. به قول گونه گراف نویسنده معروف آلمانی " سابقه فاشیسم در آلمان عین کثافت توالی است که هر چه سیفون را می کشی پس مانده آن جای خود باقی است." افکار عمومی آلمان به درست انگشت اتهام را به طرف دو حزب اصلی و قدرتمند نشانه رفته و آنها را به دلیل بی توجهی به مطالبات مردم مقصر قلمداد می کنند.

نتیجه انتخابات و آرایش جدید احزاب

با انتشار نتیجه انتخابات ، رئیس فراکسیون حزب سوسیال دمکرات آلمان در مجلس این کشور به درستی اعلام کرد که این حزب در حکومت آینده شرکت نخواهد کرد. از آنجایی که همه احزاب اعلام کرده اند که با حزب دست راستی وارد هیچ گونه ائتلافی نخواهند شد و حتی اعلام کرده اند که در مجلس حاضر نیستند در کنار این حزب بنشینند، در صورتیکه حزب سوسیال دمکرات در دولت ائتلافی شرکت کند ، حزب فاشیست به عنوان سومین نیروی قدرتمند و صاحب رای در پارلمان و قوی

در دفاع از رای مردم به استقلال کردستان عراق

کردستان است.

حزب حکمتیست بار دیگر از حق مردم کردستان عراق به جدائی و تشکیل دولت مستقل و از رای حاصل از فراندن ۲۵ سپتامبر به گرمی حمایت میکند، در برابر تعرض ارتجاعی و امپریالیستی به این حق و به رای داده شده میایستد و در حد توان و امکانش، خود را در ایستادگی آزادیخواهانه مردم کردستان عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان شریک میداند. همچنین از همسرنوشتی طبقه کارگر و مردم اعماق جامعه در عراق و کردستان با تمام توان پشتیبانی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

هفتم مهر ۱۳۹۶ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۷

زن در زندگی و مرگ

**جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است
وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که
قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و
کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون
نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از
عقل حاکم بر جامعه است!**

منصور حکمت

آن رنج می برد و شرم دارد ، دوباره به صحنه سیاست رانده شود و این اتفاقی بود که افتاد.

به جرئت می توان گفت که اکثریت مردم آلمان با وجود نارضایتی از وضع موجود ، از رشد فاشیسم و راه یابی حزب فاشیستی آ اف دی به مجلس و رشد این تمایلات در جامعه آلمان بسیار نگران و احزاب سیاسی از این بابت خود را سرزنش می کنند.

در شب بعد از اعلام نتایج انتخابات هزاران نفر از مردم ضد فاشیست در برلین در مقابل لوکال این حزب تجمع کرده و تا نصف شب با شعار فاشیست بروگم شو، آلمان جای فاشیست نیست، اعتراض خود را به نتیجه این انتخابات اعلام کردند.

انتخابات در آلمان و خزیدن حزب فاشیست آ اف دی به مجلس آزمون بزرگی برای مردم و احزاب سیاسی و زمین لرزه و هشدار جدی به همه، آنها در کشوری با پیشینه تاریخی تلخ در این زمینه است. باید جلو رشد این تمایلات فاشیستی را گرفت . احزاب فاشیستی را در اروپا و از جمله آلمان به حاشیه راند. این قبل از هر کس کار جنبش آزادیخواهی و ضد فاشیستی مردم این جوامع از جمله آلمان است.

ترین حزب اپوزیسیون، بنابر مقررات مجلس این کشور از امتیازات ویژه ای از جمله شرکت در هیئت رئیسه و فرصت سخنرانی بیشتر نسبت به سایر احزاب پیدا خواهد کرد . به این دلیل حزب سوسیال دمکرات ترجیح داده به عنوان اولین اپوزیسیون قوی در مجلس ظاهر شود و این امکان را از حزب فاشیست سلب کند . به گفته رئیس فراکسیون این حزب وظیفه خود را در چهار سال آینده مقابله با سیاستهای غلط و پس راندن حزب فاشیست اعلام کرده است. شکل حکومت آینده خانم مرکل به احتمال زیاد یک ائتلاف "جا مای کایی یعنی سیاه ، سبز و زرد خواهد بود". در غیر این صورت و در صورت عدم شرکت حزب سوسیال دمکرات در حکومت تجدید انتخابات احتمال قوی خواهد بود.

نتیجه انتخابات و نگرانی مردم

طی سالهای گذشته یکی از نتایج بحران اقتصادی در اروپا رشد و پا گرفتن تمایلات فاشیستی چه در جامعه و چه در شکل احزاب دست راستی بوده است . آلمان با توجه به پیشینه تاریخی تحت تاثیر این روند قرار گرفته و بخصوص از سال ۲۰۱۵ با شروع موج پناهندگی به این کشور با شکل گیری جنبشی با پرچم ضد اسلامی به اسم پگیدا در لایپزیک یکی از شهرهای بزرگ شرق آلمان در تقویت و پا گرفتن حزب فاشیستی آ اف دی نقش تعیین کننده ای ایفا کرد . در یک خلع سیاسی و اقتصادی زخمهای کهنه می توانند سر باز کنند و ویروس آن جامعه را مریض و تمایلات نامطلوبی که جامعه آلمان هنوز از عواقب آن

ای دم زده است. آن وقت علاوه بر این سابقه ضد مردمی، علیه حق بدیهی مردم کردستان عراق برای برگزاری رفراندم هم قرار بیرون میدهد و آن را "کمک به ناامنی" قلمداد میسازد. این اقدام زشت ضد مردمی شدیداً محکوم است.

همه مردم آزادیخواه جهان، اردوی آزادیخواهی در خاورمیانه بویژه مردم کشورهای فاشیست حاکمشان علاوه بر ادامه سرکوب و ستم ملی علیه شهروندان کردزبان امروز هم با تهدید نظامی عریان علیه مردم کردستان عراق شاخ و شانه میکشند، لازمست قرار مذموم شورای امنیت را شدیداً محکوم کنند.

مردم آزادیخواه کردستان عراق علاوه بر رد محکم قرار شورای امنیت و اعمال فشار آمریکا و دیگر دولتهای ضد مردمی، بر حق خود برای برگزاری رفراندم پافشاری میکند. به علاوه باید به احزاب حاکم کردستان که دهها سال است قدرتهای امپریالیست از جمله آمریکا و بریتانیا و بسیاری قدرتها و دولتهای ارتجاعی را "نجات دهنده و دوست مردم کردستان" معرفی کرده اند، هشدار دهند که در کردستان مستقل آینده در برابر همدستی احزاب ناسیونالیست حاکم با دولتهای امپریالیست و ارتجاع جهانی و منطقه ای قاطعانه خواهند ایستاد.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست قرار ضد مردمی شورای امنیت و فشارهای آمریکا و ارتجاع جهانی و منطقه ای را شدیداً محکوم میکند. در کنار مردم کردستان عراق برای برگزاری رفراندم جدائی در ۲۵ سپتامبر ایستاده و با قاطعیت تمام مجدداً بر حق بدیهی این مردم ستمدیده به جدائی از عراق تاکید میگذارد.

امپریالیست برای ناامن کردن و ناامن نگاه داشتن جهان است.

در گوشه دیگر خاورمیانه، اکنون مردم ستمدیده کردستان عراق قرار است در رفراندمی درباره جدائی از عراق و پایان دادن به دهها سال ستمگری و کشمکش و کشتار و ویرانی رای بدهند. شورای امنیت موظف است حق این مردم ستمدیده به برگزاری رفراندم را به رسمیت بشناسد، موظف است مستقیماً بر آن نظارت کند و اجرای نتایج آن را تضمین کند. این جزئی از تعریف وظایف "شورای امنیت سازمان ملل" در عراق بعد از اشغال آن توسط دولتهای آمریکا و بریتانیا است. بر خلاف این وظیفه بدیهی، شورای امنیت همچون چوبدست قدرتهای امپریالیستی که عراق و خاورمیانه را به باطلاق ترور و ناامنی بدل کرده اند و دهها سال شریک سرکوب مردم کردستان و حامی سرکوبگران این مردم ستمدیده بوده اند، علیه رفراندم آنان قرار صادر میکند و رسماً مجوز "حقوق بین المللی" ادامه ستمگری بر مردم کردزبان، برای دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی و عراق و سوریه صادر کرده است.

شورای امنیت سازمان ملل هنوز هم که هنوز است در مورد جنوساید انفال در کردستان عراق و بمباران شیمیائی حلبجه، در مورد دهها سال کشتار مردم کردستان ایران توسط جمهوری اسلامی، در مورد جنگ فی الحال جاری دولت فاشیست اردوغان و کشتار و ویرانی در مناطق کردنشین ترکیه، در مورد بیحقوقی اهالی کردزبان سوریه در دهها سال حاکمیت فاشیسم بعثی و جنایتکاران کم نظیری مانند حافظ اسد و بشار اسد، کلمه

اعلامیه حزب حکمتیست

قرار امپریالیستی و ضد مردمی

"شورای امنیت"

علیه رفراندم مردم کردستان

عراق شدیداً محکوم است

"شورای امنیت" سازمان ملل در قرار "به اتفاق آراء" خواستار توقف رفراندم مردم کردستان عراق شده است. بهانه شورای امنیت کمک این رفراندم به ناامنی منطقه عنوان شده است. این بهانه وارونه را ارگانی طرح کرده که در طول حیاتش محل تصمیم گیری قدرتهای امپریالیست برای ناامن کردن سراسر جهان بوده است. قرار این بار "شورای امنیت" به عنوان مکمل بیانیه وزارت خارجه آمریکا علیه رفراندم مردم کردستان و فشار دیگر قدرتها و دولتهای ارتجاعی جهانی و منطقه ای در روزهای اخیر صادر شده است.

از جمله تیره ترین لکه های کارنامه "ناامن سازی" شورای موسوم به "امنیت"، چشم بستن دیرینه بر کشتار و آوارگی میلیونها مردم فلسطین، بی عملی در حل مساله فلسطین و نتیجتاً کمک به ناامنی دهها ساله منطقه توسط دولت اسرائیل و دولتهای امپریالیست حامی آن بوده است. در طول هفتاد و دو سال عمر سازمان ملل، ستمگری وحشیانه بر مردم فلسطین در پناه "شورای امنیت" آن جریان داشته و فاجعه کشتار و آواره کردن میلیونها انسان ستمدیده در سراسر جهان همچنان ادامه دارد. این "شورای امنیت سازمان ملل" نیست بلکه شورای ناامنی دولتها بویژه دولتهای

اطلاعیه : گوتنبرگ جای نازیستها نیست!

مردم آزادیخواه گوتنبرگ!

سازمان نازیستی جنبش مقاومت شمال روز یکشنبه هفدهم سپتامبر در یک راه پیمایی بدون مجوز در خیابانهای گوتنبرگ رژه رفتند. رژه نازیستها با پرچمها و سپرهایشان تهدیدی جدی برای امنیت جامعه است. این سازمان نازیستی با جمع آوری طرفداران خود در شمال اروپا قصد برگزاری مارش ابراز قدرت در خیابانهای گوتنبرگ را دارد و اجازه راه پیمایی برای روز شنبه ۳۰ سپتامبر دریافت کرده است. در مقابل این عرض مردم آزادیخواه هم باید خیابانهای گوتنبرگ را در ۳۰ سپتامبر از آن خود کنند.

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست از شما مردم آزادیخواه انتظار دارد در صفی فشرده همراه با دیگر نیروهای ضد راسیست علیه ابراز وجود سازمان نازیستی جنبش مقاومت شمال به خیابان بیاییم و اعلام داریم گوتنبرگ جای نازیستها نیست.

گردهم آیی : ساعت ۱۱ روز شنبه ۳۰ سپتامبر

مکان Heden

STOPPA NAZISTERNA!
30 september klockan 11.00 på
Heden

تشکیلات گوتنبرگ حزب
کمونیست کارگری حکمتیست

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

حکومت اسلامی فضای شهرهای کردستان را میلیتاریزه کرده است.

بنا به اخبار رسیده به مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست، نیروهای امنیتی انتظامی رژیم اسلامی بعد از برگزاری آکسیون شادی و پایکوبی دهها هزار نفر از مردم در شهرهای کردستان که بنوعی تاکید و تاییدی بود بر " برگزاری فراندوم در کردستان عراق چون حق پایه ای و اساسی ساکنین آنجا " برای ایجاد فضای رعب و وحشت و جلوگیری از تداوم برگزاری آکسیونهای حمایتی، دست به دستگیری فعالین اجتماعی برابری طلب و گسیل نیروهای سرکوبگر پلیس " ضد شورش " از خوزستان و مستقر نمودنشان در شهرهای ایلام و کرمانشاه، فضای تمامی شهرهای کردستان را با گشت زنی و استقرار نیروهای انتظامی " امنیتی و میلیتاریزه " کرده است.

آخرین خبرها حاکی است که:

رژیم نیروهای یگان ویژه و پلیس ضد شورش را از استان خوزستان به ایلام و کرمانشاه آورده است. ماشینهای سیاه رنگ پلاک ۲۴ با سرنشینان حزب اللهی در سطح شهر به گردش پرداخته اند.

فرماندار شهر سنندج، دیروز بطور مستقیم دست به تهدید زد و اعلام کرد که به حرکات حمایتی، بدون مجوز اجازه برگزاری داده نخواهد، شد و با هر حرکت " بدون مجوز برخورد قانونی " خواهد شد.

خانواده بازداشتیهای دیروز سنندج، در مقابل کلانتری ۱۳ این شهر تجمع کرده اند، ماموران سعی در متفرق کردن آنها

سپاه پاسداران در شهر بانه، برای ایجاد جو رعب و وحشت، بیش از ۱۰۰ مزدور محلی را با لباس محلی در انظار عمومی به نمایش درآورده است.

فرمانداری سقز اطلاعیه ای را در مورد اعتراضات دیشب صادر و به تقبیح مردم پرداخته است.

صدها نیروی غیر بومی در شهرهای مختلف مستقر شده اند. تعداد این افراد در میوان و سنندج بیش از دیگر مناطق است.

تلاش مردم برای برگزاری تجمع هم چنان ادامه دارد

مرکز خبری کمیته کردستان حز حکمتیست

۵ مهرماه ۱۳۹۶

ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت

نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان

است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه

است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق

ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی

نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت

خاصی گروید و یا از آن برید.

منصور حکمت،

نامه اعتراضی بزرگترین اتحادیه

کارگری دانمارک "فدراسیون

متحد کارگران دانمارک"

درباره وضعیت رضا شهابی

خطاب به علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی و حسن روحانی رئیس جمهور در

۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷

منتشر شد:

به نمایندگی از سوی ۲۸۰ هزار کارگر در دانمارک، که شامل کارگران بخش حمل و نقل می شود، ما قویا از شما می خواهیم که همه اقدامات لازم را برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همکار ما، رضا شهابی، عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، که از ۹ اوت ۲۰۱۷ زندانی است، به عمل آورید. ایشان و دیگر همکاران اتحادیه ای ما به دلیل فعالیت هایشان در دفاع از منافع کارگران زندانی شده اند و این پایمال کردن مقاله نامه های جهانی در مورد حقوق کارگری و انسانی است.

شهابی از ۹ اوت تا کنون در اعتصاب غذا بسر می برد. بنا بر گزارش های دریافتی، او تا ۲۲ دسامبر سال ۲۰۱۸ در زندان حبس خواهد بود. بعلاوه مقامات زندان به او اطلاع داده اند که دوران مرخصی پزشکی و تایید شده ایشان غیبت محسوب می گردد و او باید ۹۶۸ روز دیگر را در زندان بگذراند.

رضا شهابی در ژوئن ۲۰۱۰ در هنگام راندگی اتوبوس دستگیر شد. او بعد از

سپری کردن نوزده ماه در سلول انفرادی به شش سال زندان، ممنوعیت از فعالیت های سندیکایی به مدت ۵ سال و پرداخت هفت و نیم میلیون تومان جریمه محکوم شد. شهابی در ژانویه سال ۲۰۱۵ مجددا تحت پیگرد قانونی قرار گرفت و به اتهام " تبلیغ علیه نظام" محاکمه شد.

شهابی از جابجایی کمر و گردن رنج می برد و دو بار، به احتمال زیاد به دلیل شکنجه در بازجویی، مجبور به انجام عمل جراحی شد. او طی دوران طولانی زندان در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت وخیم سلامتی اش و تشدید بی حسی قسمت چپ بدن اش دست به اعتصاب غذا زده است. ما عمیقا در مورد این اوضاع نگران هستیم و نسبت به وضعیت سلامتی شهابی و دیگر فعالین کارگری در بیم بسر می بریم. ما دولت ایران را مسئول و پاسخگوی سلامتی شهابی می دانیم.

ما مصرانه از شما می خواهیم که ما را از اقدامات خود در رابطه با رعایت مقاله نامه های بنیادی کار توسط ایران و در رابطه با وضعیت رضا شهابی مطلع نگاه دارید.

با احترام،

جسپر نیلسن

رئیس دپارتمان بین المللی 3 اف

رونوشت به :

شورای عالی حقوق بشر، قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران؛ نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل؛

دادستانی تهران، شرکت اتوبوسرانی تهران؛

اتحاد بین المللی

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین المللی در

حمایت از کارگران در ایران

<http://www.workers-iran.org>

اتحادیه کارگران خدمات عمومی

کانادا ۱۵ اکتبر:

در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا

اکتبر خطاب به

علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی و

حسن روحانی رئیس جمهور اعلامیه زیر را

منتشر کردند.

رضا شهابی، فعال کارگری زندانی

را آزاد کنید

به نمایندگی از ۲۶۰ هزار اعضای اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در اکتبر (کیوبی - اکتبر) بدین وسیله اعتراض خود را به تداوم آزار و اذیت رضا شهابی، عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، که بار دیگر به دلیل فعالیت های اتحادیه ای کارگری بطور ناعادلانه زندانی گردیده و از ۹ اوت ۲۰۱۷ تا کنون در اعتراض به این حبس ظالمانه، اعتصاب غذا کرده است، اعلام می داریم.

ما این نامه را نه فقط برای اعلام نگرانی عمیق خود نسبت به زندانی کردن شهابی، بلکه همچنین به این دلیل می نویسیم که توجه شما را به وضع سلامتی وخیم ایشان جلب کنیم. بر پایه گزارش های موثق، ایشان دچار مشکلات جدی سلامتی است و از جمله از سردردهای شدید، سرگیجه، کاهش فشار خون، کاهش وزن و مشکلات گوارشی رنج می برد. ما اطلاع داریم که که ایشان در تاریخ ۳۱ اوت به درمانگاه زندان

شورای عالی حقوق بشر، قوه قضاییه
جمهوری اسلامی ایران؛ نماینده دائم
جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل؛
دادستانی تهران، شرکت اتوبوسرانی
تهران

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین المللی در
حمایت از کارگران در ایران

<http://www.workers-iran.org>

کارگری زندانی در ایران هستیم. لطفا این
را بدانید که اعضای " کیوی- اونتاریو"
دولت ایران را مسئول سلامتی و تندرستی
آقای رضا شهابی می دانند و پرونده او را با
شدت تمام پیگیری خواهند کرد.

با احترام،
فرد هان، رئیس
کندیس رنیک، خزانه دار

برده شد اما همچنین گزارش شده است که
او مراقبت های تخصصی پزشکی مورد نیاز
را دریافت نکرده است.

بر خورد ستمگرانه با آقای شهابی به دلیل
فعالیت های کارگری، از ژوئن
۲۰۱۰ هنگامیکه او در سر کار مشغول
اتوبوسرانی بود و با خشونت مورد حمله
قرار گرفت و دستگیر شد، متأسفانه فقط
آغاز مشقتی بود که تا به امروز ادامه دارد.
پس از آنکه نوزده ماه در سلول انفرادی
گذراند، او به شش سال حبس، ممنوعیت
از فعالیت های کارگری و جریمه سنگین
مالی محکوم شد. آقای شهابی به دلیل
تحمل فشارهای شدید فیزیکی و شکنجه
در هنگام بازجویی ها، دچار جابجایی مهره
های کمر و گردن شد و دوبار مورد جراحی
قرار گرفت. بعد از تحمل سالها زندان، او
بر اساس توصیه پزشک قانونی، درمرخصی
پزشکی به سر می برد.

اما اکنون به نظر می رسد که آقای شهابی،
که دوران محکومیتش قرار بود به پایان
رسیده باشد، نه تنها دوباره زندانی گردیده
بلکه ۹۶۸ روز دیگر هم به مدت حبس او
افزوده شده است، که به این نحو کل زمانی
که او بطور قانونی در مرخصی پزشکی بود
را نیز محسوب نموده اند. شرایطی که آقای
شهابی به دلیل فعالیت های کارگری اش با
آن مواجهه شده است حقیقتاً وحشتناک
است.

ما تداوم هدف قرار دادن و زندانی کردن
مجدد رضا شهابی را شدیداً محکوم می
کنیم. ما همچنین تداوم اذیت و آزار و
دستگیری فعالین کارگری در ایران را
محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و
بدون قید و شرط رضا شهابی و همه فعالین

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً
کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

BAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX Bank: DNB

Cherish the 100'th Anniversary
of the Great October
Revolution

Worker- Communist Party of Iran
Hekmatist



دعوت به «شب همبستگی»

در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

برنامه‌های شب همبستگی در استکهلم، عبارتند از:

سخنرانی، پیام، شعرخوانی و موزیک



مکان: Axelsberg Torå 3 - T-banestation Axelsberg

زمان: شنبه ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷، ساعت ۱۷ الی ۲۱

سرنگون باد نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد جنبش کارگری

زنده باد سوسیالیسم

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین دفاع از مبارزات کارگری در ایران

برای کسب اطلاعات بیش‌تر می‌توانید با شماره تلفن‌های زیر تماس بگیرید:

بهرام رحمانی: ۰۷۰۷۴۷۴۳۳۶

محمود محمد زاده: ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶

بابک عماد: ۰۷۶۵۹۱۱۱۱۲

شورش مولانی: ۰۷۰۴۰۴۳۹۵۴

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید!

در دفاع از خواست استقلال کردستان عراق طرح مقدماتی بحث

منصور حکمت

این بحث در سال ۱۹۹۵ از جانب منصور حکمت در جواب به اوضاع کردستان عراق و دفاع از خواست استقلال نوشته شده است. امروز که بحث رفراندوم و طرح استقلال کردستان در میان احزاب و جریان‌های راست و چپ در منطقه و مخصوصاً در فضای سیاسی عراق مورد بحث است، آنرا در کمونیست منتشر میکنیم و خوانندگان کمونیست را به خواندن این بحث فرا میخوانیم.

نیروی سوم، نیروی اول

امروز در کردستان عراق از ضرورت پیدا شدن یک نیروی سوم صحبت میشود. ورشکستگی سیاسی و بی‌افقی دو جریان اصلی ناسیونالیسم کرد در عراق، اتحادیه میهنی و حزب دموکرات، به توده وسیع مردم آشکار شده و نصیب مردم از "دولت" و بعد جنگ قدرت این احزاب جز فقر و محرومیت و ناامنی و بی‌حقوقی نبوده است. در چشم بسیاری از مردم، و حتی از نظر خود دو حزب ناسیونالیستی اصلی، یک نیروی سوم فی‌الحال در میدان حضور دارد و آن حزب کمونیست کارگری عراق است. اما عبارت نیروی سوم میتواند گمراه کننده باشد. این توصیف برای حزب لیبرال دموکرات انگلستان یا جریان راس پرو در آمریکا مناسب است. اما در کردستان عراق یک وضعیت پارلمانی و یا یک جامعه ثبات یافته و متعارف پلورالیستی برقرار

نیست. نیروی سوم قرار نیست بخشی از کرسی‌های این یا آن پارلمان را از دست دوتای دیگر در آورد. مساله بر سر تبدیل یک نظام دو حزبی به نظامی چند حزبی نیست. کردستان عراق جامعه‌ای در یک موقعیت بی‌ثبات و انتقالی است. رویدادهای سیاسی مهمی در انتظار این جامعه و این مردم است که کل این تصویر را سرعت در هم خواهد ریخت. مبارزه‌ای که میان نیروهای سیاسی در جریان است مبارزه‌ای بر سر این آینده است. بر سر پاسخی است که به اوضاع مبهم امروز داده میشود و راهی که جلوی مردم گذاشته میشود. با هر آینده اساساً فقط یک نیرو پیروز میشود و با پیروزی هر نیرو فقط یک آینده شکل میگیرد. نیروی سوم یا باید به نیروی اول تبدیل شود، یا ناظر این باشد که سرنوشت کردستان عراق را، لاقلاً در این دور، بورژواها رقم بزنند. صورت مساله برای حزب کمونیست کارگری عراق این است. حزب کمونیست کارگری عراق باید راه خروج از اوضاع امروز را نشان بدهد و نیروی مردم و در راس آنها طبقه کارگر را برای تحقق آن بسیج کند.

دو معضل گرهی

اوضاع حساس و خطیر امروز کردستان عراق در پایه‌ای ترین سطح معلول دو واقعیت اساسی است. اول، مساله کرد، بعنوان یک مساله ملی حل نشده نه فقط در عراق بلکه در کل منطقه و دوم، جنگ عراق و آمریکا و بدنبال آن مبهم شدن موقعیت حقوقی سیاسی و هویت کشوری کردستان عراق. این دو معضل به طرز تفکیک ناپذیری در کردستان امروز به هم گره خورده‌اند. پاسخ واقعی و کارساز هم باید پاسخی همزمان به هر دو معضل باشد. در شرایط امروز، بنظر من یکی از

نکات محوری پلاتفرم سیاسی کمونیسم کارگری باید خواست تبدیل کردستان عراق به یک کشور مستقل باشد. تنها این خواست پاسخ مساله ملی و بلا تکلیفی سیاسی و اداری امروز کردستان را در بر دارد. تنها این خواست میتواند در متن این آشفتگی و تخریب اقتصادی و اجتماعی، یک دورنمای عقلایی برای خروج از این وضعیت جلوی مردم کردستان بگذارد. و تنها این شعار امکان میدهد که کمونیسم کارگری جریان‌های ناسیونالیستی را در میان مردم منزوی کند، بعنوان نیروی اول ظاهر بشود و برنامه کارگری و سوسیالیستی خود را به قدرتمندترین آلترناتیو در کل جامعه بدل کند. قصد من از این نوشته کوتاه طرح این مبحث و برخورد به برخی جوانب مهم آن است.

مساله کرد

مساله کرد یکی از مهمترین مسائل ملی حل نشده در جهان امروز است. خصلت منطقه‌ای این مساله و در میان بودن پای سه کشور ایران و عراق و ترکیه، اولاً به مساله کرد برجستگی و جان‌سختی خاصی داده است، و ثانیاً حل آن را حتی در محدوده هر یک از این کشورها بشدت دشوار و پیچیده کرده است. محتوای عملی مساله کرد در هر سه کشور تماماً یکی نیست. دامنه و ابعاد ستم ملی، موقعیت حقوقی اهالی کردستان در چهارچوب هر کشور و رابطه آنها با بقیه اهالی کشور و با دولت مرکزی، اوضاع سیاسی و اقتصادی کردستان، نوع رژیم‌های سیاسی و غیره در هریک از این سه کشور ویژگی‌های خودش را دارد. در این مختصر امکان ورود به بحث میان تفاوت‌های مهم میان جوانب مختلف مساله کرد در سه کشور نیست. در مورد عراق باید به چند نکته اشاره کرد. در عراق ستم ملی و موقعیت فرودست مردم کردستان امری نهادی و رسمیت یافته است. هویت قومی،

تعریف شدن عراق است. در چنین نظامی مستقل از خلق و خوی دولت مرکزی در بغداد، بخش عظیمی از جامعه عراق همواره تحقیر شده، بیحقوق، ناامن و آسیب پذیر باقی میمانند.

پاسخ عمومی، پاسخ مشخص

مساله کرد در عراق باید پاسخ بگیرد. استقلال کردستان عراق قطعاً از نظر کمونیسم کارگری اولین انتخاب نیست. پاسخ اول ما به مساله ملی در کل منطقه انقلاب کارگری است. یک انقلاب کمونیستی که مرزهایی را که انسانها را از هم جدا میکند، به کشورها و اقوام و ملل و ادیان مختلف تقسیمشان میکند و در مقابل هم قرارشان میدهد از میان بر میدارد. انقلابی که انسانها را از خرافه ملی و از طوق هویت ملی رها میکند و به معنی واقعی انسان شان میکند. استقلال کردستان عراق حتی دومین انتخاب ما هم نیست. یک عراق غیر قومی، یک عراق آزاد که در آن شهروندان مستقل از قومیت و ملیت از حقوق مدنی برابر برخوردار باشند، عراقی که در آن قومیت شهروندان نه پرسیده شود و نه ثبت گردد و نه در هیچ قانون و مقرراتی ذکر شود، قطعاً بر جدایی کردستان ارجحیت دارد. هر دوی این اهداف، چه سازماندهی و تحقق یک انقلاب کارگری در عراق و در کل منطقه و چه ایجاد یک رژیم سیاسی آزاد، سکولار و غیر قومی در عراق که در آن "کرد" و "عرب" و همه کسانی که دیگر حاضر نیستند با این القاب قومی دسته بندی شوند بعنوان شهروندان متساوی الحقوق برسمیت شناخته شوند، اهداف اعلام شده حزب کمونیست کارگری عراق است. موضع حزب کمونیست کارگری عراق بعنوان یک حزب سراسری در قبال مساله کرد به درست بر دو رکن اساسی متکی است. اول، انقلاب در کل عراق،

کرد در قوانین عراق نه فقط انکار نمیشود، بلکه بعنوان یکی از ارکان جامعه عراق برسمیت شناخته میشود. اما این برسمیت شناسی در کشوری که رسماً و علناً یک کشور عربی و جزئی از جهان وسیعتر "عرب" تعریف میشود، مترادف با تعریف کرد بعنوان یک ملیت درجه دوم و دائمی کردن و گریز ناپذیر کردن این موقعیت درجه دوم برای کسانی است که "کرد" زاده میشوند. کرد بنا به تعریف در عراق شهروند درجه دو است. حتی بر خلاف ترکیه، که در آن هویت قومی کرد اساساً انکار میشود و اتباع کشور بنا به تعریف ترک محسوب میشوند، در عراق حتی یک راه نجات فردی از این فرودستی قومی برای کسی که مهر "کرد" به پیشانی اش زده شده وجود ندارد. یک "کرد" در ترکیه مجبور است "ترک" باشد، در عراق، اما، حتی اگر بخواهد نمیتواند "عرب" باشد. مرزهای هویت قومی در عراق قابل حذف نیست، قابل پشت سر گذاشتن یا فراموش کردن نیست. مساله کرد به حکم عربی بودن عراق و قومی بودن تعریف مقوله "عرب"، در چهارچوب عراق موجود لاینحل است.

رژیم عراق یک رژیم ناسیونالیست عرب است و نسبت به کلیه اتباع این کشور اعم از عرب و کرد فوق العاده سرکوبگر و خشن است. مردم کردستان بطور اخص به دفعات و به فجیع ترین اشکال این سرکوب و خشونت را تجربه کرده اند. علیرغم همه مشقات و مشکلات امروزی، یکی از کابوسهای مردم کردستان عراق اعاده حاکمیت رژیم بعث است. اما حتی تعدیل در رفتار سیاسی رژیم عراق صورت مساله را چندان برای مردم کردستان تغییر نمیدهد. مادام که عنوان "کرد" به معنای انتساب فرد به یک قشر "اقلیت" و "درجه دو" در جامعه است، مساله کرد برجای میماند. این نتیجه اجتناب ناپذیر عربی تعریف شدن

عراق، ایجاد یک جامعه غیر قومی و رفع ستم ملی، و دوم، برسمیت شناسی حق مردم کردستان عراق به جدایی و تاکید بر اصل رفراندم. اما این موضع عمومی اگرچه از نقطه نظر حزب سراسری کافی و اصولی است، از نقطه نظر کمونیسم کارگری در خود کردستان عراق هنوز باید مشخص تر شود. سوال اینست: آیا زمان آن نرسیده که مردم کردستان عراق نظر خود را، در یک رفراندم، در مورد جدایی یا ماندن در چهارچوب عراق ابراز کنند؟ و اگر پاسخ مثبت است، حزب کمونیست کارگری چه بعنوان بخشی از این مردم و چه بعنوان نماینده منافع طبقه کارگر در این جامعه کدام انتخاب را توصیه میکند؟ بنظر من پاسخ سوال اول قطعاً مثبت است. بدون تعیین تکلیف حقوقی عاجل کردستان عراق گریز از مصائب و مشقات امروز و برون رفت از بن بست کنونی ممکن نیست. این تعیین تکلیف باید به رای و انتخاب خود مردم کردستان عراق صورت بگیرد. ثانیاً، موضع حزب کمونیست کارگری عراق باید انتخاب جدایی و تشکیل یک دولت مستقل در کردستان عراق باشد. تنها این موضع بنظر من با اوضاع مشخص امروز، چه در منطقه و چه در صحنه بین المللی، تناسب دارد. و این ما را به گره گاه دوم در این مبحث میرساند: بی هویتی کشوری و بلا تکلیفی سیاسی اداری کردستان عراق.

"کرد عراقی" تبعه کجاست؟

وقتی بدنبال جنگ خلیج بحث ایجاد یک منطقه امن در شمال عراق طرح شد و مورد استقبال جریانات ناسیونالیست کرد قرار گرفت، همانموقع ما در قطعنامه دفتر سیاسی وقت حزب کمونیست ایران نسبت به عواقب اجتماعی و حقوقی این اقدام هشدار دادیم. گفتیم علیرغم تبلیغات ملی گرایان

کسی در کردستان عراق ابهامی ندارد. واقعا جای تردید است که مردم کردستان، در صورتی که واقعا مخیر گذاشته شوند، بازگشت بزیر چتر حکومت بعث عراق را به تشکیل یک کشور مستقل ترجیح دهند. اگر مردم فعالانه به جدایی و استقلال بعنوان یک آلترناتیو فکر نمیکنند، به این دلیل است که آن را ناممکن یا مشکل آفرین تلقی میکنند. برای عده ای از خود کمونیستها ابهامات نظری معینی در قبال مساله جدایی مطرح است. باید مختصرا به بعضی از این ایرادات اشاره کرد.

"آمریکا و غرب نمیخواهند، ترکیه و ایران و عراق نمیگذارند"

اینها توجیهاات کلاسیک "رهبران ملی" کردستان عراق برای اجتناب از طرح شعار استقلال بوده است. اگر رهبران ملی مجبور باشند بنا به منافع و مصالح شان خود را به سناریوهای باب میل دولتها و قدرتها محدود کنند، مردم کردستان چنین اجباری ندارند. نمونه های تاریخی مردمی که اراده شان را به قدرتها سرکوبگر تحمیل کرده اند کم نیست. در مورد امکانات واقعی دخالت ایران و ترکیه بویژه در فضای بین المللی امروز بنظر من اغراق میشود. حتما تلاشهای سیاسی و نظامی مختلفی از طرف این دولتها صورت خواهد گرفت، که هم اکنون هم در جریان هست، اما از پیش معلوم نیست که مردم کردستان تحت یک رهبری اصولی قادر به مهار و یا خنثی کردن این حرکات نباشند. در سطح مشخص تر، هیچگاه مانند امروز معادلات بین المللی و تقسیمات جهانی به این وسعت زیر سوال قرار نگرفته و دستخوش تجدید نظر نشده است. اگر کلا مقطعی بخواید وجود داشته باشد که فرجه ای برای تحمیل اراده مردم کردستان به غرب و دولتهای منطقه بوجود بیاید آن مقطع امروز است. امکان برسمیت شناخته شدن کردستان توسط دولتهای

انداختن تقصیر این دشواری ها به گردن دو حزب ناسیونالیست کرد کار ساده ای است. البته باعث و بانی خیلی از مشقات مردم مستقیما اینها هستند. اما حتی اگر نمایندگان اصیل و مستقیم خود مردم سر کار بودند نیز بدون تعیین تکلیف مساله موقعیت حقوقی و کشوری کردستان عراق امکان مانور زیادی در قلمرو اقتصاد، تولید، رفاه اجتماعی، برقراری قانون، تامین امنیت شهروندان و غیره نمیداشتند.

این وضعیت قابل ادامه نیست

این وضعیت قابل ادامه نیست. این را همه میدانند. کردستان باید به قامت یک جامعه مدنی با یک سوخت و ساز اقتصادی و سیاسی و یک روبنای حقوقی تعریف شده رجعت کند: یا بعنوان بخشی از کشور عراق، یا بعنوان یک کشور مستقل. این یک دو راهی واقعی است و از حزب کمونیست کارگری و از همه مردم یک پاسخ فوری و واقعی میطلبد. دو حزب ملی عشیرتی کرد دارند مردم را چشم بسته و دست بسته بسوی "راه حل" اول میرانند. اینکه دیر یا زود با حل شدن مساله تحریم عراق، رژیم بعث مجددا به کردستان هجوم خواهد آورد یک فرض همگانی است. اینکه احزاب ملی توان و یا حتی تمایل ممانعت از این دورنما را ندارند مورد انکار کسی نیست. نسخه اینها برای مردم کردستان عراق این است: حتی المقدور کش دادن دوره برزخ و سپس، هر زمان که به صرف خودشان باشد، اجازه اعاده حاکمیت رژیم عراق بر کردستان. اما با توجه به مجموعه شرایط، راه اصولی تلاش برای تحقق حالت دوم یعنی جدایی از عراق و تشکیل یک کشور مستقل در کردستان است.

هیچیک از این دو حالت بی دردسر و بدون مشقت نیست. در مورد عواقب حالت اول

عراق نه فقط امر تعیین سرنوشت مردم کردستان را تسهیل نمیکند، بلکه کردستان عراق را از قامت یک جامعه در میاورد و به یک اردوگاه وسیع پناهندگی تبدیل میکند. اردوگاهی فاقد سوخت و ساز و حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی که برای بقاء خویش محتاج کمکهای مادی و جنسی از خارج است. این اتفاق رخ داد و عینا همین وضعیت پیش آمد. مردم کردستان عراق بهای سنگینی برای "امنیت" خود پرداخته اند. اهالی کردستان عراق در این مقطع در عمل فاقد تابعیت کشوری اند. کردستان عراق فاقد قانون (هر نوع قانون) و فاقد دولت (هر نوع دولت) است. بی محتوایی خیمه شب بازی تشکیل پارلمان توسط احزابی که از جانب غرب به نظامت این اردوگاه گماشته شده بودند خیلی زود برملا شد. پارلمان بدون حق حاکمیت معنایی ندارد. همانطور که برنامه ریزی اقتصادی، تولید، سازماندهی خدمات اجتماعی، بهداشت، آموزش و پرورش، نظم و امنیت و برقراری قانون بدون تعیین تکلیف مساله دولت و حاکمیت معنایی ندارد. مادام که تکلیف کردستان از نظر هویت کشوری و مساله حاکمیت مشخص نشده است، مادام که کردستان نه یک جامعه مدنی بلکه یک سالن انتظار چند میلیونی است، صحبتی نه فقط از بهبود زندگی مردم، بلکه حتی از بازگشت حداقلی از موازین متعارف اجتماعی نمیتواند در بین باشد. سیر قهقراایی فرهنگی در این میان اجتناب ناپذیر است. مردم کردستان نه فقط حقی برای تعیین سرنوشت خویش بدست نیآورده اند، بلکه حتی امکان مادی تاثیرگذاری بر شرایط تامین معاش خود را هم از دست داده اند. نتیجه محتوم ادامه این برزخ، تخریب بیش از پیش جامعه در کلیه ابعاد اقتصادی و رفاهی و فرهنگی است. تکلیف حقوقی کردستان عراق باید روشن شود.

مختلف، برقراری رابطه تجاری و اقتصادی و دیپلوماتیک با بخشهایی از جهان ولو در صورت عدم رضایت غرب، امروز از هر زمان بیشتر است. ایران در آستانه تحولات سیاسی مهمی است که جمهوری اسلامی را زمینگیر و ناتوان خواهد ساخت. دست ترکیه در اقدام نظامی کاملاً باز نیست و دولت عراق در یک انزوای بین المللی است. ادامه وضع موجود و سپس رها شدن مردم بی سازمان، به فقر کشیده شده و جنگ زده کردستان جلوی ارتش عراق، یعنی سناریوی فعلی، دورنمای بسیار ترازیک تری را تصویر میکند تا یک دولت اعلام استقلال کرده در کردستان عراق که به آراء مردم متکی است، دست بکار بازسازی اقتصاد و جامعه است و در صحنه بین المللی در جستجوی برسمیت شناخته شدن، جلب اعتبارات اقتصادی و مبادلات تجاری و کسب تضمین های بین المللی علیه تعرض کشورهای همسایه است.

"آیا کردستان مستقل دست احزاب ملی نمی افتد؟"

این یک نگرانی واقعی چپ است. آیا استقلال کردستان در شرایط فعلی به معنی قبول حاکمیت طالبانی ها و بارزانی ها نیست؟ بنظر من برعکس. فضای امروز فضای زیست و رشد این هاست. جریانات ملی عشیرتی کرد روی دیگر سکه سرکوب رژیم بعث هستند. مادام که مساله ملی وجود دارد و مادام یک رژیم سرکوبگر مردم کردستان را به اعتبار ملیتشان میکوبد، این جریانات صحنه گردان کردستان باقی میمانند. اینها از جامعه کردستان، از بافت طبقاتی آن، از مناسبات اقتصادی آن و از سطح فرهنگی آن بشدت عقب اند. کردستان عراق جامعه ای شهری تر، صنعتی تر، و از نظر فرهنگی پیشرفته تر از آنست که این نیروها در شرایط متعارف مکانی در صحنه سیاسی، آن داشته باشند. تنها وجود

ارتجاع هار و "غیر خودی" مردم را ناگزیر ساخته است به میداناری اینها رضایت بدهند". اینها محصول غلبه مبارزه پیشمرگانه به زندگی و متابولیسم سیاسی در کردستان عراق هستند. بدرجه ای که این شکل موضوعیت خود را از دست بدهد و شهرها به کانونهای سیاسی اصلی تبدیل شوند، اینها منزوی و نامربوط میشوند. تناسب قوای طبقاتی در خود جامعه کردستان عراق بشدت به ضرر اینهاست. نه فقط طبقه کارگر و کمونیسم کارگری یک آلترناتیو واقعی و قدرتمند در جامعه است، بلکه حتی بخشهای وسیعی از خود طبقه متوسط کردستان و روشنفکران و اقشار تحصیل کرده نهایتاً خواستار ظرف سیاسی مدرن تر و شهری تری برای بیان تمایلاتشان هستند. این احزاب کهنه در یک کردستان مستقل به سرعت به حاشیه رانده میشوند. یک ضرر مهم کش دادن اوضاع کنونی و یا بازگشتن به چهارچوب عراق این است که اتفاقاً سلطه این احزاب ملی عشیرتی بر حیات سیاسی مردم کردستان عراق ادامه پیدا میکند و تحکیم میشود.

"آیا خواست استقلال ناسیونالیستی نیست؟"

در این مورد معین و از زبان طبقه کارگر و کمونیسم کارگری، خیر. ما خواستار استقلال بخاطر استقلال نیستیم. ما تعیین تکلیف حقوقی فوری کردستان عراق را میخواهیم و از بین دو آلترناتیو ماندن با عراق یا جدایی از عراق این دومی را به حال مبارزه برای سعادت و رفاه مردم و آزادی و سوسیالیسم ثمربخش تر میدانیم. شعار ما تشکیل یک "دولت کرد" نیست. شعار ما این نیست که "کردها" باید دولت "خودشان" را داشته باشند. ما خواستار تشکیل یک دولت مستقل در کردستان

تشکیل یک دولت مستقل در کردستان عراق هستیم. یک دولت غیر قومی که مردم کردستان بتوانند در آن فارغ از هر نوع ستم ملی زندگی کنند. ما معتقدیم که در مورد سرنوشت کردستان باید از همه ساکنین آن مستقل از قومیتشان رای گرفته شود. در تلاش برای جلب مردم به این شعار ما به هویت و توهمات و تعصبات قومی و ملی شان متوسل نمیشویم. ما از مردم، آزادی، برابری، رفاه و انسانیت سخن میگوئیم و حول این پرچم بسیج میکنیم. اما همه این بحث ها یعنی اینکه ما با این شعار پا به قلمرو حساسی میگذاریم و باید دقیقاً مراقب مرزبندی با ناسیونالیسم کرد باشیم. بهرحال روش درست اینست که پا به این عرصه، به عرصه راهگشایی واقعی از معضلات جامعه، بگذاریم و با مخاطراتش آگاهانه روبرو شویم، تا اینکه از ترس آلودگی، جامعه و مقدراتش را بدست نیروهای عقب مانده و افکار ارتجاعی رها کنیم.

"وحدت طبقه کارگر عراق چه میشود؟"

اتخاذ این سیاست باعث هیچ جدایی و انشعابی در هیچ سازمان و کمپین کارگری عملاً موجودی در کل عراق نمیشود. زیرا این وحدت امروز بیش از آنکه یک واقعیت بالفعل باشد، یک هدف سیاسی حزب خود ماست. بنظر من سیاستی که موقعیت عمومی جنبش طبقه کارگر را بطور عملی بهبود بخشد، به این هدف هم بیشتر خدمت میکند. بنظر من این سیاست کلاً ما را قوی میکند و لاجرم عملاً قدرت ما را در متحد کردن کارگران بخشهای کردی و عربی عراق نیز بیشتر میکند.

چهارچوب عملی

از نظر عملی اتخاذ این سیاست به معنی راه اندازی یک جنبش استقلال طلبانه نیست.

به تفصیل در جنبش ما در عراق مورد بحث قرار بگیرد. فرصت زیادی برای تعیین تکلیف بحث نداریم، اما نظر به اهمیت و تازگی موضوع باید جا برای تدقیق مسائل و شنیدن نظرات مختلف باز گذاشت. شخصا به این ترزا نه بعنوان احکامی دگم و غیر قابل انعطاف، بلکه بعنوان طرح اولیه یک خط مشی تاکتیکی مهم در عراق نگاه میکنم که باید در ادامه مباحثات تدقیق و تعمیق شود.

اولین بار در تیر ۱۳۷۳، ژوئن ۱۹۹۵، در شماره ۱۸ انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۲۵۵ تا ۲۶۴

انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوئد ISBN 91 5761 630 1

مشی تاکتیکی ما در کردستان امروز است و به همین عنوان و در همین ظرفیت هم باید تبلیغ شود.

* * *

همانطور که گفتم هدف این نوشته طرح علنی بحث بود. جنبه های متعددی از مساله هنوز میتواند مطرح شود که من برای تمرکز روی بحث اصلی از آوردن آنها صرفنظر میکنم. یاد آوری میکنم که مضمون این نوشته و موضوعات متعدد دیگری در همین ارتباط، در پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران با حضور دو تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق مطرح شد و سپس چکیده این مباحثات در اختیار مرکزیت و کادرهای حزب عراق قرار گرفت. بنظر من جا دارد همه نکات مربوط به این مبحث با دقت و

این شعار باید گوشه ای از آلترناتیو عملی حزب کمونیست کارگری و جنبش شورایی در کردستان عراق باشد که در پاسخ به اوضاع بلا تکلیف و نابسامان امروز ارائه میشود. چهارچوب عملی طرح این شعار از نظر ما این است، اول، فراندنم و مراجعه به آراء خود مردم. این فراندنم باید ترجیحا با توافق "مراجع رسمی بین المللی" باشد تا نتایج آن ضمانت اجرایی بیشتری پیدا کند. اما حتی اگر این عملی نشود، ما باید همچنان خواستار برگزاری یک فراندنم آزاد بر سر تعیین تکلیف کردستان باشیم. رای مردم از نظر ما معتبر خواهد بود. در چنین فراندنی ما باید تشکیل یک کشور مستقل را توصیه کنیم. این را نیز باید تاکید کنیم که هر بند و بست و معاهده و قراردادی توسط هر نیرویی که مهر رای آزاد و مستقیم مردم را بر خود نداشته باشد از نظر ما مشروعیت ندارد. دوم، این خواست باید بعنوان یک راه حل عملی و آلترناتیو قابل تحمل تر برای مردم توضیح داده شود. سوال اینست که کردستان به چه سمت میرود. با ادامه وضع موجود و سیاستی که احزاب ملی عشیرتی کرد در پیش گرفته اند، یک تراژدی انسانی دیگر در انتظار مردم است. ما باید نماینده اجتناب از این عاقبت باشیم. این شعار به ایفای این نقش کمک میکند. سوم، طرح خواست استقلال یک نقطه مبهم را در ذهن بسیاری از مردم روشن میکند. به این اعتبار شعاری است که اعم از عملی شدن یا نشدنش، مردم کارگر و زحمتکش را به امکان دخالت در سرنوشت خویش خوشبین میکند و به میدان میکشد. این شعار بی افقی جریانات ناسیونالیستی و عدم صلاحیتشان را در رهبری جامعه کردستان و در نمایندگی کردن مردم در صحنه بین المللی عیان میکند. در یک کلام خواست استقلال مرکز ثقل و قطب نمای فعالیتهای ما در کردستان نیست، بلکه یک جزء مهم و ضروری خط مشی

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: رحمان حسین زاده

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

forway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

BAN: NO57 0532 1432 400

IC: DNRANOKKXXX Bank: DNR